

فرهنگ نظامی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان د علوم او انسانیت د مطالعاتو مرکز
پرتال جامع علوم انسانی

یادداشت دجله

دربان پارسی امروزی و بالنتیجه در فرهنگ ارتش شاهنشاهی واژه‌ها و اصطلاحات بیگانه (تازی، ترکی و اروپائی) بسیار است که از دیرزمان بدان راه یافته و بی‌گمان بر اثر هماهنگی ساختن پیشرفتهای ارتش شاهنشاهی با ترقیبات روز افزون ارتش‌های کشورهای بزرگ جهان هم رفته رفته واژه‌های دیگری خواه ناخواه وارد فرهنگ ارتش خواهد شد.

این افزونی واژه‌های بیگانه و اختلافی که در نحوه پذیرش و بکار بردن آنها در یگانهای ارتش شاهنشاهی پدید آمده بود ستاد بزرگ ارتشتاران را بلزوم یک وحدت کلام و هم‌آهنگی در یگانهای ارتش متوجه ساخت و بدین‌اندیشه از پیشگاه خجسته خدایگان شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران استدعا شد در غیاب فرهنگستان ایران یک هیئت علمی صلاحیتدار بنام انجمن فرهنگ ارتش مرکب از چند تن از استادان زبان‌شناسی دانشگاه تهران و افراد مطلع و عالیرتبه ارتش شاهنشاهی تشکیل گردد تا برای واژه‌ها و اصطلاحات نظامی بیگانه که در ارتش ایران رایج شده است واژه‌هایی پارسی برگزینند که با اصول زبان پارسی موافق و مانوس باشند.

مستدعیات ستاد بزرگ ارتش تاران مورد تصویب پیشگاه خجسته شاهانه قرار گرفت و بدینگونه، افسران و استادانی به شرح زیر برگزیده شدند :

تیمسار ارتشبد د کتر بهرام آریانا رئیس انجمن فرهنگ ارتش
تیمسار سپهبد اربابی هموند ارتشی

« « فریدون تأییدی

« « سر لشکر د کتر ابوالحسن سعادت مند

« « سر لشکر سعید رضوانی

« « سر هنگ د کتر جهانگیر قائم مقامی

استاد براهیم پور داود استاد دانشگاه تهران

« « د کتر ذبیح اله صفا

« « محمد مقدم

« « بهرام فرهوشی

« « ماهیار نوابی

« « جعفر شهیدی

« « استاد ذبیح بهروز

« « مشاور ویژه استاد غلامرضا دادبه

انجمن فرهنگی ارتش تا کنون نزدیک به هفتاد و اوزه اصیل و موافق با اصول

زبان پارسی برای نیازمندیهای ارتش شاهنشاهی برگزیده است که در این

شماره برای اطلاع همگان درج میگردد.

بررسیهای تاریخی

واژه درست پارسی و آوای آن	واژه‌ایکه تاکنون بکار میرفته و برابر آن به انگلیسی	ردیف		
man	من	بنده - اینجانب	۱	
hamkâr	همکار	fellow	همقطار	۲
khodrowgâh	خودروگاه	motorpool	موتورپول	۳
âbkhâki	آبخاکی	amphibi	آمفی بی	۴
âbnegâri	آبنگاری	hydrography	هیدروگرافی	۵
cherik	چریک	guerrilla	گریلا	۶
djange cheriki	جنگ چریکی	guerrilla warfare	جنگ گریلانی	۷
djange havâkhâhi	جنگهای هوا خواهی	partizan	جنگ پارتیزانی	۸
pâsvar	پاسور	escort	اسکورت	۹
takâvar	تکاور	ranger	تیزیل	۱۰
tîrbâr	تیربار	machinegun	مسلسل	۱۱
âmâdan	آمدان	to supply	تدارك کردن	۱۲
âmâd	آمد	suplies	تدارك	۱۳
âmâdha	آمدها	suplies	تداركات	۱۴
âmâdgah	آمدگاه	depot	دپو	۱۵
yegân	یگان	unit	واحد	۱۶
yegân bozorg	یگان بزرگ	command	واحد بزرگ	۱۷
tak	تک	attack	حمله	۱۸
pâtak	پاتک	counter attack	حمله متقابل	۱۹
kârzâr	کارزار	-	-	۲۰
havâkhâh	هواخواه	partisan	پارتیزان	۲۱
djange nâgahâni	جنگ ناگهانی	accidental war	جنگ اتفاقی	۲۲

واژه درست پارسی و آوای آن		واژه‌ایکه تا کنون بکار میرفته و برابر آن به انگلیسی	ردیف	
tak nâgahâni	تک ناگهانی	accidental attack	حمله اتفاقی	۲۳
djange hamehgir	جنگ همه‌گیر	general war	جنگ کلی	۲۴
djange pirâmuni	جنگ پیرامونی	-	-	۲۵
djange khordkarân	جنگ خردکران	limited war	جنگ محدود	۲۶
karânmand	کرانمند	limited	محدود	۲۷
nâkarânmand	جنگ ناکرانمند	unlimited war	جنگ نامحدود	۲۸
djange nafra dideh	جنگ نافرادیده	unpremeditated war	جنگ بدون تصمیم قبلی	۲۹
hamâhang	هم‌آهنگ	coordinated	موافق	۳۰
nâgahâni	ناگهانی	accidental	اتفاقی	۳۱
nâhamâhang	ناهم‌آهنگ	opposite	مخالف	۳۲
wâhaleh	واهلش	leave	ترك	۳۳
wâhashteh	واشته	abandoned	متروک	۳۴
nâkâmi	ناکامی	unsuccess	عدم موفقیت	۳۵
nahast	نہست	absent	غایب	۳۶
nahasti	نہستی	absence	غیبت	۳۷
farsat	فرست	present	حاضر	۳۸
farastî	فرستی	presence	حضور	۳۹
laghzesh	لغزش	error-mistake	اشتباه	۴۰
wâgard	واگرد	errancy	انحراف	۴۱
degarguni	دگرگونی	modification	تغییر	۴۲
hamvandi	هموندی	membership	عضویت	۴۳

واژه درست پارسی و آوای آن	واژه‌ایکه تا کنون بکار میرفته و برابر آن به انگلیسی	ردیف
hamvand همونده	عضو (باشکاهها واحزاب) member	۴۴
âfand آفند	offense تعرض	۴۵
padâfand پدافند	defense دفاع	۴۶
padâfandi پدافندی	defensive دفاعی	۴۷
djangafzâr جنگ افزار	arm سلاح و سلیح	۴۸
farmânbordâri فرمانبرداری	to obey اطاعت کردن	۴۹
garfâshib ژرفاشیب	continental shelf فلات قاره	۵۰
tarâbari ترابری	transportation حمل و نقل	۵۱
tarâbar ترابر	مسئول حمل و نقل responsible for transportation	۵۲
tarâdâd تراداد	tradition سنت - ترادیسون	۵۳
shenâveh شناوه (ازاصطلاحات دریائی)	حوض زمینی در بندر	۵۴
sukhtâri سوختاری	combustion احتراق	۵۵
sukhtâr سوختار	combustible محترقه - محترق	۵۶
ferestâdan فرستادن	ارسال - ایفاد - تقدیم کردن to send	۵۷
gamgâh گمگاه	assembly area منطقه تجمع	۵۸
tâzesh تازش و تاخت	assault هجوم	۵۹
donbâl kardan دنبال کردن - دنبال گیری	pursuit تعاقب	۶۰
	boss-superior مافوق	۶۱
		۶۲
tâbmandi تابمندی	قابلیت انعطاف	۶۳
	military نظامی	۶۴
row-âyak رویک	breech-block کلنگدن	۶۵